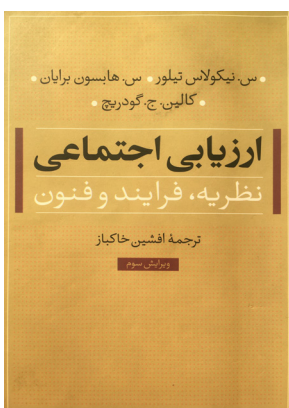


## خلاصه کتاب



### ارزیابی اجتماعی؛ نظریه، فرآیند و فنون

تهیه و تنظیم: میترا جعفری



## خلاصه کتاب ارزیابی اجتماعی؛ نظریه، فرآیند و فنون

تهیه و تنظیم: میترا جعفری

کتاب ارزیابی اجتماعی (نظریه، فرآیند و فنون)، تألیف س. نیکولاس تیلور، س. هابسون بریان و کالین ج. گودویچ را نشر جامعه و فرهنگ به سفارش اداره کل مطالعات معاونت امور اجتماعی و فرهنگی و با ترجمه افشین خاکباز در سال ۱۳۹۲ در ۳۰۲ صفحه و هشت فصل منتشر کرده است.

در مقدمه این کتاب آمده است که یکی از تفاوت‌های کشورهای برخوردار و پیشرفته با کشورهای که جهان سوم نام گرفته‌اند، در نوع نیازهایی است که انگیزه حرکت و رفتارهای آنان را شکل می‌دهد. کشورهای برخوردار، عموماً مرحله تأمین نیازهای اساسی را پشت سر نهاده و در اندیشه رفع نیازهای عالی‌تر هستند. در کشورهای جهان سوم، افراد و جوامع در چنبره رفع نیازهای زیستی گرفتار هستند و طبیعی است که در چنین کشورهایی، بسیاری از حاکمان و نخبگان، منابع طبیعی را جولانگاه اختصاصی خود و ابزاری برای ثروت‌اندوزی فردی و گروهی می‌دانند. تهیدستان و گروه‌های زیردست، جنگل‌ها و درختان را هیزم اجاق شب‌های سرد خود می‌کنند و بقای خود را به نابودی طبیعت گره می‌زنند و شرکت‌های چندملیتی جهان سوم را میدانی برای ترکتازی خود می‌دانند.

ولی کشورهای پیشرفته حکایت دیگری دارند. مردم سالاری، قوانینی که دست کم به ظاهر برای حفاظت از منافع عمومی وضع شده‌اند و مطبوعات آزاد و پرسشگر، اقداماتی را که منافع عمومی را فدای منافع و مطامع افراد و شرکت‌ها می‌کند، محدود ساخته‌اند. در چنین فضایی بود که واکنش مردم به لکه نفتی «سانت‌ابارابرا» که بر محیط زیست، گردشگری و ماهی‌گیری تأثیر گذاشته بود، زمینه‌ساز تصویب قانون ملی سیاست‌های زیست‌محیطی در آمریکا شد و کارگزاران دولت فدرال

را ملزم ساخت تا ملاحظات محیط‌زیستی و اجتماعی طرح‌ها و برنامه‌هایی که ممکن است بر این جنبه‌ها تأثیر بگذارد، در نظر بگیرند. به این ترتیب ملاحظات محیط‌زیستی با جامعه‌شناسی و اقتصاد درآمیخت و الگوی نوینی پدیدار گشت که جامعه‌شناسی محیط‌زیستی نام گرفت که بر تعامل میان محیط‌های اجتماعی و طبیعی استوار است و زیست‌بوم انسانی را مجموعه‌ای از تعاملات میان سیستم‌های فیزیکی زیست‌شناختی و اجتماعی می‌داند و مفاهیم پیشرفت اجتماعی و اقتصادی رها از قید و بندهای محیط‌زیستی و... را به چالش می‌کشد.

### ارزیابی اجتماعی

در فصل نخست کتاب که عنوان آن «ارزیابی اجتماعی: بررسی انتقادی» است، نویسندگان با تعریفی از ارزیابی اجتماعی آغاز کرده‌اند و بیان داشته‌اند که ارزیابی اجتماعی، فرایندی را برای پژوهش، برنامه‌ریزی و مدیریت تغییرات ناشی از سیاست‌ها و برنامه‌ها فراهم می‌کند و معتقدند که نویسندگان برجسته این حوزه بر این باورند که ارزیابی اجتماعی، فرایندی برای تحلیل و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته تغییرات برخاسته از سیاست‌ها و برنامه‌هاست. نویسندگان برای شروع بحث، تعریفی را از کمیته بین‌سازمانی رهنمودها و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی درباره ارزیابی ارائه کرده‌اند. در این تعریف، ارزیابی اجتماعی فرایندی است برای تحلیل. برای مستندسازی و مدیریت تأثیرات اجتماعی، از تحلیل اجتماعی پایش و شیوه‌های دخیل ساختن عموم مردم بهره می‌برد و کارگزاران بین‌المللی توسعه، کارگزاران دولتی، مجریان پروژه‌های ساخت‌وساز، سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های اجتماعات محلی در زمره گروه‌هایی هستند که از این فرایند استفاده می‌کنند.

با وجود این ارزیابی اجتماعی همواره با نتایج اجتماعی مسئولانه همراه نیست. بنابراین در فصل حاضر، مشکلاتی مطرح خواهد شد که ظاهراً همواره با این فرایند همراهند و علاوه بر آن به تشریح توانایی‌های بالقوه فعالان این بخش برای پشت سر نهادن این دشواری‌ها می‌پردازد. سایر بخش‌های این کتاب، شرح دقیق‌تر توانایی‌های بالقوه ارزیابی اجتماعی و بحث مفصل درباره رویکرد آینده‌نگری است که کاربرد گسترده‌ای دارد.

در بخش دیگری از فصل نخست، به پیشینه تاریخی طرح مفهوم ارزیابی اجتماعی اشاره شده است و ریشه مطرح شدن این مفهوم را معمولاً ریشه‌های ارزیابی اجتماعی به منزله حوزه‌ای مشخص را ایالات متحده آمریکا و قانون سیاست‌های ملی محیطی مصوب سال ۱۹۶۹ آن کشور می‌دانند که یکی از

انگیزه‌های اصلی تصویب آن، لکه نفتی «سانت‌آباربارا» بود. این قانون، کارگزاران فدرال را ملزم ساخت تا با بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند و بین‌رشته‌ای، ملاحظات علوم طبیعی و اجتماعی را در طرح‌ها و برنامه‌های زیست‌محیطی و تصمیم‌هایی بگنجانند که ممکن است بر محیط‌زیست تأثیر بگذارد. این کار دست کم به لحاظ آماری بسیار مؤثر بوده است، به طوری که در ده سال نخست حدود ۱۲۰۰۰ ارزیابی اثرات محیط‌زیستی انجام شد و حدود ۱۲۰۰ پرونده قضایی در اعتراض به ارزیابی‌ها تشکیل شد. با این حال به ندرت جنبه‌های اجتماعی در این ارزیابی‌ها، جایگاهی شایسته می‌یافتند و کمتر پروژه‌های را می‌توان یافت که بر مبنای ارزیابی اجتماعی تصویب، رد یا دستخوش تغییرات اساسی شده باشد.

دستورالعمل حفاظت و بهبود محیط‌زیست زلاندنو که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید، همچون امریکاریشه در مداخلات انسانی در محیط‌زیست داشت که موجهی از مخالفت گسترده مردم را برانگیخته بود. ارزیابی زیست‌محیطی در ایالات متحده امریکا و زلاندنو، در ده سال نخست با مشکلات متعددی دست به گریبان بود که با گنجاندن جنبه‌های اجتماعی در فرایند کلی ارزیابی ارتباط داشت. در این حوزه، جامعه‌شناسان و سایر دانشمندان علوم اجتماعی بسیار کند عمل می‌کردند و حتی پس از تعریف جنبه اجتماعی این بخش در بسیاری از تحلیل‌ها گنجانده نمی‌شد. شاید چون نتایج آن گاهی تحلیل‌های اقتصادی را زیر سؤال می‌برد، برخلاف قضاوت‌های سیاسی بود یا در زمینه مدیریت، کمک چندانی نمی‌کرد. ماهیت کمی‌پذیر اقتصاد و از سوی دیگر مبنای ساختاری انتخاب‌ها باعث می‌شود که تحلیل اقتصادی جایگزین تحلیل اجتماعی و پژوهش‌ها معمولاً بر تغییرات جمعیتی، تأثیرات سنجش‌پذیر تحولات و تصمیم‌های مدیریت منابع بر مشاغل و تقاضا برای خدمات اجتماعی متمرکز گردد.

کمبود تحلیل اجتماعی، مشکلاتی را ایجاد می‌کرد، ولی زیاده‌روی در تحلیل‌های اجتماعی نیز مشکل‌آفرین بود؛ زیرا آنها بر اساس مدل سنتی پژوهش اجتماعی که در ذهن داشتند، این پژوهش را به مطالعه بلندمدت اجتماع یا منطقه مورد نظر تبدیل می‌کردند که در واقع بر مشکلات یا پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی احتمالی تأکید نمی‌کرد.

مؤلفان در توصیف دوره تثبیت ارزیابی اجتماعی، اواخر دهه ۱۹۷۰ را زمان این رخداد دانسته، بیان می‌کنند که کارگزاران منابع طبیعی و برنامه‌ریزی برای بهبود رویه‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، به‌ویژه سطوح مختلف ارزیابی اجتماعی، گام‌های برداشتند. شورای کیفیت محیط‌زیست (۱۹۷۸) به ارزیابی نه سال نخست اجرای این قانون پرداخت و به نتایجی مانند نتایج

زیر دست یافت: تحلیل‌های زیست‌محیطی از رویه اجرایی یکسانی برخوردار نبودند؛ زبان فنی بسیاری از گزارش‌ها مانع از درک و واکنش عموم مردم می‌گشت؛ اسناد زیست‌محیطی در برخی موارد به جای اینکه مبنایی برای تصمیم‌گیری بهتر باشد، خود به هدف تبدیل شده بودند؛ به جای تمرکز بر مسائل مهم درباره کلیه مسائل محیط‌زیستی مرتبط با اقدامات پیشنهادی بحث شده بود و فرآیندها با کاغذبازی، تأخیر و دوباره کاری همراه بود.

این انتقادهای، تأکید دوباره بر بررسی‌های مقدماتی، تمرکز بر تأثیرات مهم و تولید اسنادی را در پی داشت که از اسناد حجیم رایج در آن دوره، کوتاه‌تر و تحلیلی‌تر بود. به عبارت دیگر جنبه‌های تحلیلی این فرایند بیشتر شد و باعث گردید که سازمان جنگل‌داری آمریکا بر مبنای این اصول استوار گردد: تأثیرات اجتماعی مستقیم و غیر مستقیم، هر دو در نظر گرفته شود. حوزه ارزیابی ممکن است بسته به کار پیشنهادی و تأثیرات مورد بررسی تفاوت داشته باشد. نحوه گزارش تأثیرات اجتماعی به یافته‌ها بستگی دارد و نباید شیوه یا رویکرد مشخصی برای گردآوری اطلاعات پیشنهاد کرد.

در زلاندنو هر چند قانون توسعه ملی از بررسی تأثیرات اجتماعی حمایت می‌کرد، طولی نکشید که نارسایی‌های این ارزیابی هویدا گشت که از آن جمله می‌توان به بی‌توجهی به مشکلات بومیان مائوری در جلسات بررسی کارخانه سوخت‌های ترکیبی در تاراناکا اشاره کرد که ورود پساب‌های کارخانه به اقیانوس، منابع غذایی دریایی سنتی آنها را آلوده می‌کرد؛ نکته‌ای که در ارزیابی‌های اولیه بدان پرداخته نشده بود. از سوی دیگر دولت می‌کوشید تا اهمیت تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها را انکار کند و به این ترتیب توجیه‌پذیری فناوریانه و استدلال‌های اقتصادی را در اولویت نخست قرار داد.

در اواخر دهه ۸۰ که حزب کارگر تصمیم گرفت مشکلاتی را که نقد سیستم موجود مدیریت زیست‌محیطی آشکار ساخته بود حل کند، گروه کاری ارزیابی تأثیرات اجتماعی<sup>۱</sup> برای دفاع از تأکید بر جنبه‌های اجتماعی در مقابل تأکید قابل پیش‌بینی بر ملاحظات بیوفیزیکی و اقتصادی در جایگاه مناسبی قرار داشت. این گروه از دیدگاه یکپارچه‌ای دفاع می‌کرد که تغییر اقتصادی را نیز تغییری اجتماعی می‌دانست.

در همان حال در استرالیا، حوزه ارزیابی اجتماعی در طول دهه ۸۰ به سرعت رشد می‌کرد و از ایالات متحده آمریکا، زلاندنو و کانادا پیشی می‌گرفت. ایالات غرب استرالیا با ایجاد واحد «تأثیرات اجتماعی» که از نخستین سازمان‌های مستقل ارزیابی اجتماعی در جهان بود، ابتکار ارزشمندی را آغاز کردند.

تصویب قانون مدیریت منابع زلاندنو در سال ۱۹۹۱ و تجدید ساختار چشمگیر دولت‌های محلی و منطقه‌ای، از تحولات اواخر دوره تثبیت و نقطه عطفی در ارزیابی اجتماعی بود. این قانون، الزامات گسترده و اجباری ارزیابی تأثیرات را در برمی‌گرفت و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی را به روشنی در تعریف تأثیرات گنجانده بود. همچنین در این قانون بر الزام دخیل ساختن عموم مردم و مشورت با گروه‌های اجتماعی و پایش تأثیرات پس از اجرای تغییرات تأکید شده بود.

دهه ۹۰ را می‌توان دوره تثبیت ارزیابی تأثیرات در عرصه بین‌المللی دانست. گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (۱۹۸۷) درباره «آینده مشترک ما» بر مسائل مرتبط با پایداری تأکید می‌ورزید و علاقه به قانون ارزیابی‌های محیط‌زیستی و قانون ارزیابی تأثیرات اجتماعی را تقویت می‌کرد. همچنین فجایع محیط‌زیستی و افشای ضعف برنامه‌ریزی پروژه‌ها سبب شد که تصمیم‌گیران از معیارهای محدود مهندسی و اقتصادی در تصمیم‌گیری فاصله بگیرند.

اختصاص دو شماره از نشریه ارزیابی تأثیرات و ارزشیابی پروژه‌ها به ارزیابی تأثیرات اجتماعی، از گسترش این حوزه حکایت دارد. اولین ویرایش این متن به عنوان نخستین متن جامع ارزیابی اجتماعی در سال ۱۹۹۰ در زلاندنو و ویرایش دوم در سال ۱۹۹۵ منتشر شد که در سطح بین‌المللی با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو گردید.

مهم‌ترین تحول در ایالات متحده آمریکا، انتشار رهنمودها و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی توسط کمیته سازمانی رهنمودها و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی در سال ۱۹۹۴ بود که از نشانه‌های اجماع روزافزون دانشمندان علوم اجتماعی و کارگزاران عمومی درباره ماهیت و فرایند ارزیابی اجتماعی به شمار می‌رود.

یکی دیگر از تحولات مهم بین‌المللی، ورود ارزیابی اجتماعی به حوزه برنامه‌ریزی توسعه در سازمان‌های چندجانبه‌ای همچون بانک جهانی، سازمان غذا و کشاورزی و بانک توسعه آسیا بود. اکنون جنبه‌های ارزیابی اجتماعی به همراه تحلیل جنسیتی و رویه‌های مشارکتی، بخشی از اسناد سیاستی و پروژه‌ها را تشکیل می‌دهد. در آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۳ با همکاری نویسندگان این کتاب، چندین کارگاه و دوره آموزشی برگزار شد و در جنوب شرق آسیا، از اواخر دهه ۷۰، روش‌های ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی به تدریج رواج یافت.

گسترش ارزیابی تأثیرات در اروپا با ظهور و کاربرد بین‌المللی حوزه‌هایی مهم هم‌زمان بود. نخستین حوزه، ارزیابی محیط‌زیستی راهبردی بود که

به جای تمرکز در سطح پروژه بر ارزیابی تأثیرات محیط زیستی برنامه‌ها، طرح‌ها و سیاست‌ها تأکید می‌ورزید.

گروه کاری ارزیابی تأثیرات اجتماعی زلاندنو در سال ۱۹۹۰ به سازمان رسمی انجمن ارزیابی اجتماعی تبدیل شد. جالب است که این انجمن علایق خود را به گونه‌ای گسترش داد که کل حوزه‌های ارزیابی تأثیرات را در بر گرفت و در سال ۱۹۹۸ به انجمن ارزیابی تأثیرات زلاندنو تبدیل شد که به انجمن<sup>۱</sup> IAIA، برجسته‌ترین سازمان فعالان ارزیابی تأثیرات اجتماعی در عرصه بین‌المللی وابسته است.

پرسش اصلی این است که چه کسی برای رهبری ارزیابی اجتماعی، صلاحیت بیشتری دارد. نخستین پاسخ این است که جامعه‌شناسان، واجد شرایط ترین افراد برای انجام این ارزیابی‌ها هستند. ولی رشته‌های دانشگاهی متعددی همچون مردم‌شناسی می‌تواند صلاحیت‌های لازم را برای ارزیابی اجتماعی داشته باشد. از نتایج سودمند این روند، آشنایی دانشگاهیان رشته‌های مختلف از جنگل‌داری تا مهندسی با علوم اجتماعی و گشوده شدن راه ورود جنبه‌های اجتماعی به چشم‌اندازها و تصمیم‌های سازمانی است.

فرایند ارزیابی اجتماعی با دو نگرانی ویژه همراه است: نخستین نگرانی که سرعت کار است، با محدوده کار ارتباط دارد؛ چون حاصل رویکردهای گسترده و طولانی، صرف زمان بسیار و کسب نتایج دیر هنگام برای پروژه‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست. به همین دلیل است که اکثر پروژه‌های بزرگ به مشاوران خارج از دانشگاه محول شده است و آنها در اکثر موارد ابتدا دامنه موضوع را محدود و سپس توجه خود را به تعدادی از متغیرهای استاندارد متمرکز می‌کنند.

دومین بخش مشکل، سودمندی حاصل کار برای تصمیم‌سازان است. نتایج کار باید بر اساس مشکلات اصلی ارائه شود. به عبارتی ارزیابی اجتماعی باید بر مشکلات مشخصی تمرکز کند. این مشکلات باید در اسرع وقت و در مرحله پژوهش‌های مقدماتی از جمله مراحل نخست شرکت دادن عموم در این فرایند تعیین شود. ارزیابی‌های اجتماعی سریع و سودمند، ارزیابی‌هایی تحلیلی هستند نه طولانی و به جای کلی‌گویی بر مشکلات مشخصی تأکید می‌ورزد. پژوهش‌هایی که در چارچوب ارزیابی اجتماعی صورت می‌پذیرد باید با چارچوب‌های نظری یا مفهومی پیوند داشته باشد. این چارچوب‌ها را می‌توان به‌ویژه در دو حوزه بهبود بخشید. نخستین حوزه، تأمین مفاهیم راهنما برای انتخاب متغیرهای تحلیل در ارزیابی اجتماعی است و دومین حوزه، تحلیل ساختار و تغییرات اجتماع است.



اهمیت داشتن یا نداشتن مشکل مورد نظر با سه نکته ارتباط دارد: فنون پیش‌بینی، مسئله کمی سازی و اعتبار داده‌ها. هنوز درباره فرایندهایی که ارزیابی اجتماعی را تشکیل می‌دهد، اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر معمولاً بین دانشگاهیانی وجود دارد که ارزیابی اجتماعی را فرایندی پژوهشی می‌دانند و مقامات دولتی که آن را از نظر تصمیم‌ها یا چارچوب نظری برنامه‌ریزی سازمان خود می‌نگرند.

در این کتاب به فرایند اساسی و منطقی‌ای اشاره می‌شود که در واژه ارزیابی اجتماعی نهفته است، با فرایند پژوهش دانشگاهی تفاوت دارد و همواره کاملاً با مفاهیم دولتی یا اجتماعی نیز همخوانی ندارد. این فرایند پیش از هر چیز، مستلزم پژوهشی برای تعیین محدوده مسائلی است که در کانون ارزیابی تأثیرات بر متغیرهای اجتماعی قرار دارد و حوزه اصلی و حوزه‌های فرعی مطالعه را تعیین می‌کند و گروه‌هایی را که ممکن است از پیشنهادهاى مورد نظر به شیوه‌های مختلف تأثیر بپذیرند، شناسایی می‌کند. این مرحله، مبنایی برای مشورت‌های گسترده عمومی و سودمند است. مرحله بعد، بررسی شرایط اجتماعی یا تعیین خط مبنایی برای مقایسه با وضع موجود و پیش‌بینی گزینه‌های مختلف است. سپس نوبت پیش‌بینی و تخمین تأثیرات و مقایسه معیارهای تصمیم‌گیری مثبت و منفی، هر یک از شیوه‌های جایگزین است. در نهایت کسانی که از قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند، پس از مقایسه یافته‌های ارزیابی اجتماعی با عناصر تحلیل محیط‌زیستی، مهم‌ترین راه‌حل را تعیین می‌کنند. هدف ارزیابی اجتماعی این است که به طرفداران و تصمیم‌گیرندگان اجازه دهد تا تصمیم‌های اجتماعی مسئولانه‌تری را اتخاذ کنند.

احتمالاً بسیاری از موانع ارزیابی اجتماعی ناشی از مسائلی است که در این حوزه وجود دارد. از جمله آنها می‌توان به مشکل پیش‌بینی آینده، نقش مشارکت عمومی در شکل دادن به آینده و مسائل متنوعی که در این حوزه وجود دارد، اشاره کرد. به این معنا که مشارکت عمومی با ارزیابی اجتماعی مترادف نیست، اما افرادی که تغییرات مورد نظر بر آینده آنها تأثیر می‌گذارد نیز باید در ارزیابی اجتماعی دخالت داشته باشند.

### دیدگاه‌های موجود درباره اجرای ارزیابی اجتماعی

در این فصل به تحلیل حوزه (ارزیابی تأثیرات) از نظر جهت‌گیری‌های موجود پرداخته شده است تا محدودیت‌های فلسفی و نهادی اصلی در برابر رویکرد تمرکز بر مشکلات معین - که رویکردی مشورتی و فعال است - شناسایی گردد.

ارزیابی اجتماعی را می‌توان از دو جنبه اصلی نگریست که هر یک بازتاب دیدگاه‌های مسلط و متضادی است که با این موضوع ارتباط دارد که آیا دیدگاه اصلی در ارزیابی اجتماعی، دیدگاهی فن‌سالارانه (محصول‌نگر<sup>۱</sup>) است یا مشارکتی (فرایندنگر<sup>۲</sup>). دومین جنبه با دیدگاه اصلی درباره استفاده از اطلاعات به عنوان مبنایی برای کنش اجتماعی یا پژوهش و تولید دانش برای دانش ارتباط دارد. این دو جنبه، کنش‌نگر یا پژوهش‌نگر نامیده می‌شود.

جنبه فن‌سالارانه - مشارکتی بیانگر مسئله ارزش‌ها در ارزیابی اجتماعی است؛ مسئله‌ای که به دلیل نزدیکی ارزیابی اجتماعی با تصمیم‌گیری، اهمیت زیادی دارد. به عبارت ساده در صورتی که حاصل کار ارزیابان اجتماعی در چارچوب ارزش‌هایی ارائه گردد که با ارزش‌های تصمیم‌گیران همخوانی داشته باشد، ممکن است در تأثیرگذاری بر آنها موفق‌تر باشند. از سوی دیگر اجتماعات محلی و گروه‌های شهروندانی که از تغییرات برنامه‌ریزی شده تأثیر می‌پذیرد، اغلب مجموعه‌ها، گروه‌ها و ارزش‌های متفاوتی دارند که آنها را در تقابل با تصمیم‌هایی قرار می‌دهد که از بالا اتخاذ می‌شود. از این‌رو به مخالفت با آنها برمی‌خیزند.

تمایز میان ارزیابی اجتماعی فن‌سالارانه و مشارکتی برای دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و مدیریت منابع طبیعی، موضوع جدیدی نیست. نویسندگان این کتاب به این نکته پی برده‌اند که رویکردهای فن‌سالارانه، خواه‌نگرش دانشگاهی داشته باشد یا با نگرش کاربردی اجرا شود، معمولاً اثبات‌گرایانه‌اند و در مقابل ارزیابی اجتماعی مشارکتی بر دخالت در اقدام اجتماعی به صورت اقدام مستقیم یا مخالفت با پروژه‌های جدید یا مذاکره بر سر توزیع تأثیرات تأکید می‌ورزد.

از مقایسه و تلاقی دو جنبه اصلی و گزینه‌ها، «گونه‌های آرمانی» جهت‌گیری‌ها به دست می‌آید که برای ترسیم و نمایش اصول و روندها به کار می‌رود.

**جهت‌گیری فن‌سالارانه - عملی:** به ارزیابی اجتماعی در سازمان‌های دولتی و سایر سازمان‌های عمومی که مسئولیت اجرا یا نظارت بر ارزیابی‌های تأثیرات محیط‌زیست، برنامه‌ریزی و مدیریت منابع طبیعی را بر عهده دارد، اشاره می‌کند.

**گرایش فن‌سالارانه - پژوهشی:** معمولاً در دانشگاه‌ها و برخی از اتاق‌های فکر عمومی یا خصوصی انجام می‌شود و فرض بر این است که محصول پژوهش تولید دانش برای دانش است. در این حالت، سازمان‌دهی اداری شبیه به گرایش فن‌سالارانه - عملی است. فرصت‌های شغلی و تأمین منابع مالی پژوهش بر معیارهای محدودی مبتنی است و معمولاً در زمینه انتشار است.

1- product orientet  
2- process oriented

جهت‌گیری مشارکتی - عملی: از نظر عملی شبیه به برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی متمرکز است، ولی محیط کاری از سطح کار گزاران برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای یا متمرکز، به عمل در سطح محلی تغییر می‌کند. تلاش برای سازمان‌دهی تغییر اجتماعی از سطوح پایین آغاز می‌شود و در اکثر موارد واکنشی به سیاست‌هایی است که از بالا تحمیل شده است.

جهت‌گیری مشارکتی - پژوهشی: وجه اشتراک این جهت‌گیری با جهت‌گیری پژوهشگران دانشگاهی، تلاش برای یافتن واقعیات است. ولی معمولاً به ابتکار یا با همکاری یک گروه هم‌سود انجام می‌شود. یعنی ممکن است به نیابت از مردمان بومی، فمنیست‌ها، فعالان اصلاحات اجتماعی، گروه‌های زیست‌محیطی، اتحادیه‌های کارگری و مواردی از این دست انجام شود. هدف از این پژوهش، تأیید معضلی خاص و نیاز به تغییر شرایط گروه هم‌سودی است که پژوهش به نیابت از آنها انجام می‌گیرد.

سرردگمی و بحث و جدل درباره اینکه رویکردهای مشروع به ارزیابی اجتماعی کدامند، ناشی از تعارضات دست‌اندرکاران یا سازمان‌های کاری خاصی است که می‌کوشند رویکردها و راهبردهای خود را مشروعیت بخشند. تعارضات میان رویکردهای «دانشگاهی» و «کاربردی» نیز بسیار شناخته‌شده است. در شرایط دانشگاهی معمولاً بر انتشار نتایج پژوهش به منظور توسعه نظری و دانشگاهی و ارتقای شغلی تأکید می‌گردد. در مقابل، اکثر پژوهش‌های حوزه کاربردی، ابزاری برای گردآوری و استفاده از داده‌ها برای هدفی فوری است. فراتر از همه آنچه درباره این جهت‌گیری‌ها گفته شد، این نکته نهفته است: افرادی که به رویکرد خاصی گرایش دارند، استفاده از سایر رویکردها را نیز سودمند می‌دانند. بهترین چشم‌انداز برای توسعه رویکردهای جدید به ارزیابی اجتماعی در جمع پژوهشگران مستقلی مشاهده می‌گردد که از پیروی شدید از گرایش‌های مسلط در محیط کار خود فاصله گرفته‌اند و با کار کردن در میانه میدان با بهره‌گیری از رویکرد تمرکز بر مشکلات معین در فرایند تصمیم‌گیری، نقش مثبت‌تر و فعال‌تری را ایفا کنند. این رویکرد از عناصر به رسمیت شناختن ارزیابی اجتماعی به عنوان یک فرایند، مفهوم‌پردازی و تحلیل بهتر شرایط انسانی، شناسایی و تمرکز بر مشکلات اصلی و شناسایی و حل تعارضات یا مذاکره برای حل آنها تشکیل شده است.

### ملاحظات نظری در باب ارزیابی اجتماعی

در این فصل که «ملاحظات نظری در باب ارزیابی اجتماعی» نام دارد، مفروضات بنیادینی بیان می‌گردد که در آموزش و اجرای ارزیابی اجتماعی به کار رفته

است. به عبارتی در ایجاد بنیان نظری ارزیابی اجتماعی به کار می‌رود. برای تدوین نظریه‌های مخصوص ارزیابی اجتماعی، تلاش‌هایی صورت گرفته که برجسته‌ترین آنها، آثار دیتز (۱۹۸۷)، ریکسون و همکاران (۱۹۹۴)، اسلوت وگ و همکاران (۲۰۰۱) و بکر (۲۰۰۳) بوده است. دیتز با استفاده از رویکرد عمل‌گرایانه هابرماس به سیاست، چارچوبی را پیشنهاد می‌کند. در حالی که ریکسون و همکارانش بر نیاز به راهنمای نظری تأکید می‌کنند و مفاهیم اصلی‌ای را تشریح می‌کنند که در حوزه نظریه سازمانی و اجتماعات محلی قرار دارد. این فصل تلاش دارد تا نشان دهد که اجرای ارزیابی اجتماعی بر هیچ نظریه یگانه‌ای مبتنی نیست.

کاتن و دونلاپ (۱۹۷۸) معتقدند که سنت‌های جامعه‌شناسانه، دیدگاهی مردم‌شناسانه دارد که انسان را تافته‌ای جداافتاده و فراتر از فرایندهای طبیعی می‌داند. کیل مارتین و همکاران (۱۹۸۵) به بنیان‌های آشکار الگوی محیط‌زیستی جدید در رویکرد بوم‌شناختی اشاره کرده‌اند.

**دیدگاه محافظه‌کارانه بوم‌شناختی - رفتاری:** ریشه‌های بوم‌شناختی انسانی به دهه ۱۸۰۰ و آثار کومته و اسپنسر برمی‌گردد. کومته، عامل وحدت‌آفرین را «وفاق» می‌داند و اسپنسر بر مفهوم جامعه به عنوان مجموعه‌ای از بخش‌های کارکردی تخصصی تأکید می‌ورزید. مکتب شیکاگو در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در سنت انسانی - بوم‌شناختی در ایالت متحده آمریکا، کارهای مهم دیگری انجام داد. به نظر پارک (۱۹۳۶)، بوم‌شناسی انسانی تلاشی برای کاربرد نوعی تحلیل درباره انسان‌ها بود که قبلاً درباره روابط متقابل میان گیاهان و جانوران به کار رفته بود. او شهر را منبع سازمان‌زدایی اجتماعی می‌داند. بر مبنای آثار او، دو مکتب فکری دیگر ایجاد شد. نخست، مکتب ترسیم نقشه فضایی شهر و دومین مکتب تحت تأثیر آثار ورث، الگوهای رفتار یا شیوه‌های زندگی در محله‌های مختلف شهر را بررسی کرد.

**دیدگاه لیبرال یا اصلاح‌گرا:** آثار اولیه وبر (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، مبنای تحلیل جدید این مشکلات اجتماعی در آستانه تعارضات شهری دهه ۱۹۶۰ را فراهم کرد و در کی از دیوان‌سالاری ابزار قدرت و سلطه و پذیرش آنها از طریق ایجاد ایدئولوژی‌های مشروع ارائه داد. در اینجا رشد دیوان‌سالاری پایگاهی غیر فردی به عنوان عنصر اصلی تغییرات سازمانی در جامعه صنعتی مدرن محسوب می‌شود.

در این دیدگاه، بهبود مدیریت منابع و برنامه‌ریزی، از جمله فنونی همچون محاسبه سه‌گانه سود و زیان در حسابداری، مبنایی برای اصلاح محسوب می‌شود و مستلزم تأکید بر دسترسی بیشتر عموم به سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت، مدیریت عمومی و شرکت‌های خصوصی نیز است.

**دیدگاه رادیکال یا اقتصاد سیاسی:** این دیدگاه، جامعه را از منظر پنج حوزه اصلی می‌نگرد که چرخه‌های درهم‌تنیده نظام کاپیتالیستی را شکل می‌دهد: تولید، مبادله، چرخش، مصرف و مشروعیت‌سازی. با وجود بحران‌هایی که در نظام بخش خصوصی ایجاد می‌شود، دولت و بخش کارگری معمولاً برای پرهیز از ایجاد تعارضات عمده و اطمینان از ثبات سیاسی و اقتصادی با یکدیگر همکاری می‌کنند.

یکی از امتیازهای اصلی این دیدگاه این است که جامعه‌شناسان را از اهمیت روابط قدرت آگاه می‌کند و پرسش مرتبط با برندگان و بازندگان تحولات را هدایت می‌کند. مشکل اصلی این دیدگاه، ساختارگرایی بیش از حد آن و دست کم گرفتن نقش بازیگران اصلی، گروه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی در فرآیند تغییر اجتماعی است.

**الگوی محیط زیستی جدید:** دیدگاه‌های جامعه‌شناسی محیط‌زیستی را در برمی‌گیرد و از برخی رشته‌های اقتصادی نیز استفاده می‌کند.

**جامعه‌شناسی محیط‌زیستی:** مفهوم اصلی جامعه‌شناسی محیط‌زیستی با تأکید بر تعاملات دوسویه چشمگیر نظام‌های اجتماعی با سیستم‌های فیزیکی و زیستی ارتباط دارد. به عبارتی جامعه‌شناسی محیط‌زیستی بر فرض تعامل میان محیط‌های اجتماعی و طبیعی استوار است. با توجه به این روابط متقابل، جامعه‌شناسان محیط‌زیست می‌توانند علاوه بر واقعیت‌های اجتماعی، واقعیت‌هایی را نیز که به لحاظ اجتماعی اهمیت دارد، در تحلیل‌های خود بگنجانند و این کاری است که باید حتماً انجام دهند. آنها به شیوه‌های تعامل جامعه و محیط‌زیست، ارزش‌های فرهنگی و باورهایی که باعث می‌شود مردم به شیوه خاصی از محیط‌زیست استفاده کنند و به پیامدهای این استفاده برای اجتماع و تعارض اجتماعی، علاقه‌مندند. جامعه‌شناسان محیط‌زیستی نیز به پوشش‌های رابطه جامعه و محیط‌زیست علاقه‌مندند.

**دیالکتیک اجتماعی - محیط‌زیستی** حاوی این گزاره اساسی است که اختلالات بوم‌شناختی و جامعه‌شناختی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. اشنایبرگ می‌گوید که همواره بین هدف اقتصادی توسعه‌طلبانه جوامع و مبنای بیوفیزیکی که مواد خام این گسترش را فراهم می‌سازد، تعارض وجود دارد.

**توسعه پایدار: دیالکتیک اجتماعی - محیط‌زیستی:** محدودیت‌های استفاده بشر از محیط‌زیست و میزان تعارضات اجتماعی ناشی از آن، با عوامل فیزیکی و اجتماعی تعیین می‌شود. اشنایبرگ با شناسایی تهدیدهای عمده محیط‌زیستی که بقای انسان‌ها را تهدید می‌کند، تعریف عوامل محدودکننده

را گسترش می‌دهد. از جمله آنها می‌توان به عواملی چون تولید مواد سرطان‌زا و سموم محیط‌زیستی، آسیب به سیستم‌های آبی، اختلال در سیستم‌های آینده تولید مواد خوراکی و تغییرات آب‌وهوایی زیان‌آور برای سکونت‌گاه‌های انسانی اشاره کرد. این عوامل محدودیت‌زا این امکان را دارد که با عواملی که تولید و اقتصاد را تهدید می‌کند، مرتبط شود. از جمله: بیکاری، کاهش درآمد و فقر، کاهش سودآوری و تشکیل سرمایه، کاهش دسترسی به خدمات عمومی و افزایش هزینه‌های این خدمات.

### فرآیند ارزیابی اجتماعی و چرخه‌های جوامع برخوردار از منابع

تغییرات اجتماعی که درباره این پروژه‌های انرژی رخ می‌دهد، در کانون توجه ارزیابی‌های اجتماعی قرار دارد. این تغییرات در جامعه دارای منابع پدیدار می‌شود که در نقاط تماس جامعه ما با محیط بیوفیزیکی قرار دارند. چرخه‌هایی که جوامع برخوردار از منابع طبیعی تجربه کرده‌اند، شامل برپایی صنعت و کارخانه جدید، افزایش شدید نیروی کار و سرمایه در منطقه است. آنگاه پس از کاهش سرمایه و نیروی کار و آغاز فرایند بهره‌برداری، دوره مهم کاهش فعالیت‌ها آغاز می‌شود. در نهایت پس از دوره ثبات، دوره برچیدن کارخانه فرامی‌رسد که با اتمام منابع طبیعی، تغییر فناوری یا تغییر بازار همراه است. بین این دوره‌های تغییر اصلی که معمولاً دوره ارزیابی‌های اجتماعی است، یا باید باشد، دوره‌های ثبات اجتماعی نسبی وجود دارد.

### چارچوب سیاست‌های توسعه پایدار

رویکرد یکپارچه به سیاست منابع طبیعی در برگیرنده سیاست‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. از جمله مسائلی که باید در یک سیاست یکپارچه و پایدار گنجانده شود، می‌توان به برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای منابع از جمله تعیین مناطق، ابزار و ارزیابی‌های اقتصادی و مدیریت تأثیرات تجمعی توسعه، توسعه منطقه‌ای و مطلوبیت اجتماعی کمک‌های منطقه‌ای، بهبود کارایی اقتصادی ملی با تحریک رشد منطقه‌ای، بهبود هدف‌گذاری کمک‌ها، زیان‌های اقتصادی تمرکز رشد ملی و شهرسازی، اشتغال و معیشت، ثبات و تفکیک اقتصاد و بازار کار روستایی، تأثیرات بی‌ثباتی بر گروه‌های بخصوص از قبیل کارگران زراعی، زنان یا بومیان، مسائل برابری، الگوهای کار و سازمان‌دهی اجتماعی، توسعه کسب‌وکارهای کوچک، کمک به کارآفرینان در پژوهش و توسعه و دسترسی کسب‌وکارهای روستایی به زیرساخت‌های متمرکز، منابع و فناوری از جمله فناوری‌های اطلاعات و مخابرات و... اشاره کرد.

## توانمندسازی برای ارزیابی اجتماعی

توانمندسازی از ابداعات فورستر (۱۹۸۰) است که پیامدهای «نظریه انتقادی» برای اقدامات عملی برنامه‌ریزی را بررسی می‌کند. وی معتقد است که برنامه‌ریزی نه تنها فنی، بلکه ارتباطی نیز است. بنابراین نظریه ارتباطات هابرماس را سودمندترین نظریه برای بحث درباره برنامه‌ریزی می‌داند. وی برای شفاف‌سازی ارتباطات و توانمندسازی در فرآیند ارزیابی اجتماعی، شیوه‌هایی اساسی ارائه می‌دهد. برخی از آنها به این شرح است: ایجاد شبکه‌های اجتماعی، به دقت گوش کردن، تشویق، توسعه مهارت‌ها، مطلع کردن مردم در مراحل نخست، آموزش، ارائه اطلاعات، استفاده از کانال‌های اطلاعات، مستقل بودن، حساس بودن در برابر مسائل سیاسی و مطمئن شدن. منظور این نیست که دانش این رویکردهای نظری به تنهایی راهبردهای کنونی توسعه ناپایدار را تغییر می‌دهد، بلکه می‌گوید که بی‌اطلاعی از این رویکردها می‌تواند با ارزیابی اجتماعی انفعالی و محدود، راهبردهای ناپایدار موجود را تقویت کند.

## فرآیند ارزیابی اجتماعی

در فصل چهارم کتاب، نویسندگان بر اساس جهت‌گیری‌های ارزیابی اجتماعی در دو فصل گذشته و مفروضات اصلی فصل سوم، به بررسی ماهیت فرآیند ارزیابی اجتماعی می‌پردازند. از نگاه این افراد، ارزیابی اجتماعی باید فرآیندی بین‌رشته‌ای و یکپارچه باشد. به این معنا که در تحلیل نهایی باید مسائل محیط‌زیستی را اجتماعی یا دارای تبعات اجتماعی دانست. حقیقت این است که ارزیابی تأثیرات در خدمت نوع بشر است و اتخاذ تصمیم‌های عاقلانه درباره تغییرات محیط‌زیستی مؤثر بر نوع بشر را میسر می‌سازد.

نخستین تلاش برای پی‌ریزی فرآیند منسجم و عملی ارزیابی اجتماعی در زلاندنو، انتشار اثری با نام «ارزیابی تأثیرات اجتماعی در زلاندنو: رویکردی عملی» بود که آن را فرآیندی تشریح می‌کند که «پروژه‌ها و سیاست‌های آتی را از نظر تأثیرات احتمالی آنها بر افراد، گروه‌ها و جوامع بررسی می‌کند». این تعریف آشکارا از اقداماتی که قرار است اجرا شود، سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که چگونه پروژه‌ها در سیر تکوین خود، مراحل مشابهی را پشت سر می‌گذارد و ارزیابی اجتماعی در هر یک از این مراحل باید اجرا شود. این مراحل عبارتند از: بررسی زودهنگام برای شناسایی منابعی که ممکن است در توسعه به کار رود؛ تصمیم‌گیری در زمینه استفاده از منابع؛ شناسایی محل احداث واحدهایی که برای استخراج یا استفاده از منابع احداث می‌شود؛

ساخت واحد؛ تکمیل مرحلهٔ احداث واحد؛ بهره‌برداری از واحد و تعطیلی واحد. بسیاری بر این باورند که همه این مراحل بر کیفیت زندگی افرادی که در نزدیکی واحد و در منطقهٔ پروژه زندگی می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر ارزیابی اجتماعی، فرایند پژوهش، برنامه‌ریزی و مدیریت برای مواجهه با تغییرات اجتماعی ناشی از سیاست‌ها و پروژه‌های آتی و جاری است که بر افراد، گروه‌ها، جوامع و بخش‌هایی از جامعه متمرکز است که از تغییرات تأثیر می‌پذیرند، ولی تأکید بیشتر محلی و منطقه‌ای است. اهداف این فرایند، افزایش و پیشینه‌سازی همکاری، هماهنگی و ارتباط میان شرکت‌کنندگان و در برگیرنده کلیه افراد در سطوح مختلف است. این فرایند، خطی نیست، اما معمولاً بر فعالیت‌های قبلی مبتنی است.

**توضیح معنای اثر و تأثیر:** هر چند این دو واژه را معمولاً مترادف می‌دانند و ممکن است برخی هم‌معنا هم بگیرند، در اینجا منظور از آثار، تغییرات به خصوص و قابل شناسایی است و تأثیرات به عنوان نتایج به کار برده می‌شود.

**هدف‌گذاری:** هدف‌گذاری معمولاً نخستین گام در ارزیابی اجتماعی است و معمولاً شامل آغاز فرایند مشاوره‌ای است که مستلزم ارتباط باز و صادقانه با گروه‌های عمومی برای تحقق مواردی چون شناسایی مسائل مهم مرتبط با اقدام پیشنهادی، تعیین زمان‌بندی، عمق و میزان تحلیل مورد نیاز و برنامه‌ریزی جزئیات تحلیل و مرتبط ساختن تأثیرات بیوفیزیکی با نتایج اجتماعی است.

**شبکه‌سازی و ایجاد زنجیره:** پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی‌هایی که مستلزم تحلیل گروهی است، به‌ویژه تحلیل‌هایی که باید به دست گروهی از متخصصان رشته‌های مختلف انجام شود و برای مرتبط ساختن متغیرهای بیوفیزیکی و اجتماعی شبکه‌ای از روابط علت و معلولی ایجاد گردد.

**تحلیل دست‌اندرکاران:** تأثیرات اجتماعی تنها در صورتی معنادار خواهد بود که بر اساس مواضع دست‌اندرکاران مختلف به نمایش گذارده شود. بنابراین در ترسیم نقشه بین‌رشته‌ای مسائل در شبکه روابط علت و معلولی کلیه مسائل به حوزه اجتماعی معطوف و بازندگان و برندگان نیز تعیین می‌گردد.

**ترسیم نمایه اجتماعی:** معمولاً به معنای رویکردی است که تمرکز لازم را ندارد. فعالیت‌هایی که در این مرحله انجام می‌گردد، باید بر مبنای هدف‌گذاری باشد و تاحدی می‌توان آن را همراه با هدف‌گذاری انجام داد. در این صورت می‌توان این دو فعالیت و گزارش‌های مبتنی بر آنها را ارزیابی مقدماتی دانست که ممکن است نقطه عطف سودمندی باشد و فرصت بررسی رسمی آنچه را برای ارزیابی مفصل‌تر لازم است، فراهم آورد.



در تعیین راه‌های جایگزین که یکی از مراحل اتا محسوب می‌گردد، اقدام‌های جایگزین از دل جزئیات پروژه‌ها یا سیاست‌های برنامه‌ریزی شده بیرون می‌آید و اطلاعاتی که در طول مراحل هدف‌گذاری و ترسیم نمایه اجتماعی گردآوری می‌گردد، به بررسی گذاشته می‌شود. بهترین حالت برای این فعالیت، زمانی است که بین دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی و طرفداران توسعه و گروه طراحی/برنامه‌ریزی آنها، تعامل گسترده و نزدیکی وجود داشته باشد. تعیین جایگزین‌ها تا جایی که ممکن است در چارچوب منابع طبیعی و سیاست‌های اجتماعی منطقه‌ای یا ملی انجام شود. یکی از دغدغه‌های همیشگی دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی این است که در بررسی جایگزین‌ها، سهم چندانی ندارند. البته در حالت ایده‌آل، آنها باید در مرحلهٔ تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی منابع، نقشی ایفا کنند.

در تعیین راه‌های جایگزین که یکی از مراحل اتا محسوب می‌گردد، اقدام‌های جایگزین از دل جزئیات پروژه‌ها یا سیاست‌های برنامه‌ریزی شده بیرون می‌آید و اطلاعاتی که در طول مراحل هدف‌گذاری و ترسیم نمایه اجتماعی گردآوری می‌گردد، به بررسی گذاشته می‌شود. بهترین حالت برای این فعالیت، زمانی است که بین دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی و طرفداران توسعه و گروه طراحی/برنامه‌ریزی آنها، تعامل گسترده و نزدیکی وجود داشته باشد. تعیین جایگزین‌ها تا جایی که ممکن است در چارچوب منابع طبیعی و سیاست‌های اجتماعی منطقه‌ای یا ملی انجام شود. یکی از دغدغه‌های همیشگی دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی این است که در بررسی جایگزین‌ها، سهم چندانی ندارند. البته در حالت ایده‌آل، آنها باید در مرحلهٔ تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی منابع، نقشی ایفا کنند.

نهادینه‌سازی موفقیت‌آمیز ارزیابی اجتماعی نیازمند مبنای قانونی قدرتمندی برای این فرایند در طول پروژه، برنامه و چرخهٔ سیاست‌گذاری است. اکثر الزامات قانونی این کار ناشی از قوانینی است که ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی را الزامی می‌سازد.

### مبنای پژوهشی ارزیابی اجتماعی

ارزیابی اجتماعی از پژوهش اجتماعی استقبال می‌کند و آن را در فرآیند خود به کار می‌گیرد و برای ارزیابی و مجموعه‌های زمانی و تحلیل روندها به ایجاد سناریوهای تغییر برای پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی کمک می‌کند. موردپژوهی‌های تطبیقی نیز برای ایجاد سناریوهای قوی تغییر، اهمیت شایانی دارد.

## آموزش و توسعه حرفه‌ای

برای غلبه بر نبود انسجام آموزشی برنامه‌های علوم محیط‌زیستی و مدیریت منابع و پر کردن شکاف میان آموزش‌های دانشگاهی و کاربرد عملی مهارت‌ها باید ارزیابی اجتماعی را در برنامه‌های آموزشی رشته‌های دیگر نیز گنجانند.

## تحلیل توانایی جنسیت

نویسندگان این کتاب معتقدند که تحلیل جنسیتی باید در کلیه مراحل چرخه پروژه ادامه یابد. پایش و ارزشیابی باید از عنصر تحلیل جنسیتی برخوردار باشد و در انتخاب راهبرد و ایجاد پروژه‌ها، برنامه‌ها یا سیاست‌های جدید نیز لحاظ گردد. این مسئله می‌تواند اهداف و مقاصد مشخص‌تر جنسیتی، فرایندهای برنامه‌ریزی از قبیل ارتباطات و مشارکت و سیستم‌های مدیریتی جدید را در برگیرد و گام‌های عملی برای تحقق نیازهای زنان را از قبیل بهبود بهداشت فردی و خانواده، شرایط زندگی و کار یا فعالیت‌های درآمدزا در پی داشته باشد.

## رویکرد مسئله‌نگر

فصل پنجم این کتاب، رویکردی را برای گردآوری، سازمان‌دهی و تعیین اعتبار داده‌ها توصیف می‌کند به نام رویکرد مسئله‌نگر که تمام مراحل فرآیند ارزیابی - که در فصل قبل توصیف شده - در برمی‌گیرد و رویکردی تکرارپذیر و انطباق‌پذیر است. به این معنا که پویاست و در هر زمان می‌توان داده‌هایی را به آن افزود یا در هر مرحله از ارزیابی اجتماعی می‌توان اطلاعاتی را از آن دریافت کرد و به دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی کمک می‌کند تا در گروهی بین‌رشته‌ای، نقش سازنده‌ای ایفا کنند.

نخستین وظیفه گروه ارزیابی، ایجاد چارچوب تحلیلی است که در واکنش به اطلاعات درباره تغییر پیشنهادی شکل می‌گیرد. بر مفاهیمی استوار است که راهنمای ذهنی برای کار ایجاد می‌کند و تضمین می‌نماید که توصیف نهایی تأثیرات، تا جایی که امکان دارد، جامع و ثمربخش باشد و در مراحل نخست شامل اطلاعاتی است درباره تغییر برنامه‌ریزی شده در سایر نقاط.

دومین وظیفه کاربرد این چارچوب، در حوزه ارزیابی گردآوری داده‌ها و مشارکت عمومی است که ابتدا شامل بررسی ادبیات موجود و جست‌وجوی داده‌های فرعی در حوزه ارزیابی است. با وجود تأکید بر استفاده از فنون کیفی در این رویکرد، از داده‌های کمی نیز استفاده می‌شود. گردآوری داده‌ها معمولاً در طول مرحله هدف‌گذاری ارزیابی آغاز می‌گردد و در مرحله ترسیم نمایه اجتماعی نیز ادامه می‌یابد.

یکی از اهداف اصلی ارزیابی اجتماعی، تعیین اعتبار کلیه دغدغه‌های اجتماعی‌ای است که مطرح شده است. آزمون شناسایی مسائل و در نهایت توصیف نهایی تأثیرات اجتماعی در کار میدانی رخ می‌دهد. بسیاری از شیوه‌های کار میدانی که در اینجا به کار می‌رود، با کارهای میدانی مردم‌شناسی که قوم‌نگاری نامیده می‌شود، شباهت بسیاری دارد و شامل شبکه‌سازی صاحب‌های عمیق و نیمه‌منظم و مشاهده شرکت کنندگان است.

رویکرد مسئله‌نگر به ارزیابی اجتماعی، فرایندی مشارکتی برای دست‌اندرکاران و افراد ذی‌نفع است. در جلسات عمومی یا جلسات گروه‌های همسود که اقدام برنامه‌ریزی شده آن را تسریع می‌کند، متخصصان ارزیابی نیز از همان ابتدا شرکت دارند. خود ارزیابی نیز ممکن است شامل جلسات و فعالیت‌هایی باشد که به عنوان بخشی از کار میدانی آغاز می‌گردد. نظرسنجی‌های رسمی که معمولاً فن پژوهشی پرهزینه و زمان‌بری است، تنها باید در موارد بسیار ضروری برای گردآوری داده‌ها در ارزیابی اجتماعی به کار رود.

**چارچوبی تکرار شونده و انطباق پذیر:** فرایند تکرار شونده، فرایندی نیست که به صورت گام‌به‌گام ادامه یابد و به گزارشی نهایی منجر شود. این فرایند با تکرار بررسی عناصر اصلی، هر بار اطلاعات جدیدی را به خود اضافه می‌کند. همچنین می‌توان در هر مقطع از فرایند ارزیابی به استخراج و گزارش اطلاعات پرداخت. فشار کلی رویکرد مسئله‌نگر به سوی فرایند ارزیابی و مدیریت مستمر تأثیرات هدایت می‌شود و با پیشرفت رویکرد تحلیلی ممکن است تکرار مکرر فرایند ارزیابی ضروری باشد.

**دفاع از استنتاج تحلیلی:** استنتاج تحلیلی در قلب رویکرد مسئله‌نگر قرار دارد و پژوهشگران از هر دو فرایند استفاده می‌کنند. از اصول، به موارد خاص و از موارد خاص به اصول می‌رسند. در عمل، اصول را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که مواردی را که با اصول قبلی همخوانی ندارد یا از این اصول پشتیبانی نمی‌کند نیز در بر بگیرد.

نویسندگان این کتاب در استنتاج تحلیلی و ارزیابی اجتماعی می‌نویسند: اکثراً با این عقیده موافقند که پیش‌بینی شرایط آینده در بهترین حالت برای هر علمی، گزاره‌ای غیر قطعی است. ولی در ارزیابی اجتماعی نظریه‌ها و مفاهیم، راهنمای اندکی وجود داشته است که با افزودن سطوح و انواع مختلف داده‌های رایج در فرایند کار به موارد فوق می‌توان دلیل مناسبی برای تشریح فرایند استنتاجی ارائه کرد. به این معنا که فرایند استنتاج مستلزم بررسی اجمالی داده‌های موجود برای یک منطقه یا اجماع و فرمول‌بندی چارچوب

یا مدلی مفهومی برای تشریح مشاهدات است. سپس داده‌های اضافی نیز بررسی می‌گردد تا مشخص گردد که آیا مدل اولیه می‌تواند این داده‌ها را نیز پیش‌بینی یا تشریح کند یا خیر. در صورت تناقض بین یافته‌ها، پژوهشگر به اتقاق طراحی برمی‌گردد تا در طرح خود بازنگری کند. این فرایند بررسی، آنقدر ادامه می‌یابد تا پژوهشگر بتواند همه یا بخشی از داده‌های گردآوری شده را توضیح دهد. این راهبرد در طول فرایند ارزیابی از جمله در مرحله پایش و ارزیابی برای تأمین اطلاعات ادامه می‌یابد.

**روش سیستم‌های نرم و ارزیابی اجتماعی:** این روش در شرایط راهبردی متعددی به کار می‌رود و به عنوان راهی برای حل مشکلات سیستم‌های فنی پیچیده ایجاد شد؛ چون رویکرد سیستم‌های سخت که قبلاً برای مشکلات اجتماعی پیچیده به کار می‌رفت، با کاستی‌هایی دست به گریبان بود. در مشکلات پیچیده اجتماعی گاهی باید نیازهای متعددی برآورده شود و باید «موقعیت دشوار» جایگزین مفهوم مشکل گردد. همان‌طور که وارن و همکاران (۱۹۹۲) می‌گویند، این تمایز مهمی است، چون «موقعیت‌های دشوار»، مجموعه‌ای از مشکلات غیر ساختار یافته هستند.

**چارچوب مفهومی:** مفاهیم نظری جامعه‌شناسی محیط‌زیستی و برنامه‌ریزی مشارکتی، زیربنای این رویکرد است. بنابراین جنبه‌های خاص نظریه جامعه‌شناختی درباره تغییرات اجتماعی، به درک کلی ما از یک مورد به خصوص کمک می‌کند. در هر رویکرد مفهومی به ارزیابی اجتماعی، توجه به دیدگاه تاریخی و کلان سودمند است. در یک رویکرد ایده‌آل، چارچوب مفهومی بر مبنای زیر استوار است: ۱- یک یا چند مطالعه کنترلی اجتماعات مشابه با اجتماع موضوع تحلیل، ولی بدون تغییر مورد نظر. ۲- مطالعات تطبیقی اجتماعاتی که از تغییرات مشابهی تأثیر پذیرفته‌اند. ۳- مطالعات اجتماع مورد نظر که قرار است مجموعه‌ای از تغییرات را از سر بگذرانند.

هر گونه ارزیابی باید میزان وقوع الگوهای مشابه تغییر اجتماعی در زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلف را برای انواع مختلف تغییر بررسی کند. در مواردی که این الگوها به لحاظ جامعه‌شناختی بررسی شده‌اند، نتایج در چارچوب مفهومی ارزیابی اجتماعی کنونی گنجانده می‌شود. بخش بزرگی از واکنش منفی تصمیم‌سازان نسبت به داده‌های اجتماعی، ناشی از سردرگمی میان اعداد و قطعیت داده‌ها یا یافته‌هاست. فرایند تحلیلی استنتاجی و شناسایی صریح آن به عنوان روش رسمی می‌تواند بر ناهمخوانی‌های ادعایی یا تفاوت‌هایی میان داده‌ها و فنون کمی و کیفی غلبه کند.

## داده‌های فرعی و نظرسنجی‌ها

سه فصل گذشته به بحث درباره منابع و کاربردهای اطلاعات برای فرآیند ارزیابی اجتماعی اختصاص داشت و این فصل بر استفاده از داده‌ها و پیمایش‌های فرعی متمرکز است. در ارزیابی اجتماعی، هدف گردآوری حداقل اطلاعات مورد نیاز است و باید به مسائل مشخص بپردازد، بر مشکل یا تغییر خاصی تمرکز کند که اهمیت اجتماعی بالقوه‌ای دارد و نخستین گام نیز پس از شناسایی مسائل اصلی برنامه‌ریزی برای گردآوری داده‌هاست. در مرحله هدف‌گذاری، می‌توان شناسایی منابع اصلی داده‌های موجود یا فرعی و گردآوری داده‌ها را آغاز کرد. فنون اصلی در این کار مشارکتی است که از آن جمله می‌توان به مصاحبه‌ها و جلسات و مشاهده حوزه مورد مطالعه و در صورت نیاز به نظرسنجی اشاره کرد.

### چارچوب مفهومی: متغیرهای مورد استفاده در ترسیم نمایه اجتماعی

در مرحله ابتدایی ارزیابی می‌توان از چارچوب‌های مختلفی استفاده کرد، اما پیشنهاد می‌شود بر مبنای مقوله‌های توصیفی زیر از چارچوب ساده‌ای استفاده شود: نحوه پراکنش و استفاده مردم از زمین (جمعیت/ کاربری زمین)، نحوه سازمان‌دهی مردم برای رفع نیازهای خود (سازمان‌دهی اجتماعی)، حالات رفتاری مردم (سبک زندگی)، بهداشت (فیزیکی) و اقتصاد (مبادله کالاها و خدمات).

جدول شماره ۱: رویکرد سپهر اجتماعی به تعیین وضعیت اجتماع

مقوله‌های تشریحی	جزئیات متغیرها
سرشماری و کاربری زمین - میزان و نحوه اسکان مردم در منطقه و نحوه استفاده آنها از زمین	در تعداد افراد ساکن در منطقه، نسبت جنسیتی و سنی آنها، الگوهای اسکان و پیشینه تاریخی کاربردهای شهری و روستایی زمین منعکس می‌گردد.
سازمان‌دهی اجتماعی - نحوه سازمان‌دهی مردم برای رفع نیازهای خود	در نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، تحصیلات، سیاست، مذهب، اوقات فراغت و نحوه سازمان‌دهی مردم برای تأمین خدمات زیربنایی و اصلی از قبیل دفع زباله، حفاظت در برابر آتش‌سوزی و ...
گرایش‌ها، باورها و ارزش‌ها - نحوه تفکر و جهان‌بینی مردم	در واکنش مردم به اقدامات پیشنهادی استانداردهای فرهنگی، ترس‌ها، درک خطرات، آنچه مردم درباره اجتماع و نحوه زندگی خود مهم می‌دانند، جلوه‌گر است.
سبک‌های زندگی - نحوه زندگی مردم	در الگوهای کار، رفتار در اوقات فراغت و سرگرمی، نحوه اجرای آداب مذهبی، شبکه‌ها و الگوهای ملاقات با دوستان و خانواده جلوه‌گر است.
سلامت و ایمنی، بهداشت فیزیکی و ذهنی	در الگوهای سلامت و بیماری جلوه‌گر است و مواردی همچون تأثیرات مستقیم آلودگی بر سلامت، بیماری‌ها و صدمات ناشی از کار و تأثیرات غیر مستقیم عواملی همچون ترافیک، تراکم و فشار ناشی از تغییر سریع را در برمی‌گیرد.
اقتصاد - نحوه و میزان مبادله کالاها و خدمات	در طیفی از شاخص‌ها نمایانگر است که رفاه اقتصادی یک اجتماع یا منطقه را اندازه‌گیری می‌کند و شامل بیکاری، تغییر در اشتغال، درآمد، سرانه هزینه‌ها و فعالیت‌های کسب و کار است.

چارچوب مفهومی سپهر اجتماعی که در جدول ۱ آمده، سودمندترین چارچوب در پژوهش مقدماتی برای ترسیم نمایه اجتماعی است و مبنایی را برای گردآوری و سازمان دهی داده‌های ضروری ارائه می‌دهد. در گردآوری داده‌ها، گروه پژوهش می‌تواند برای انتخاب متغیرها و شناسایی داده‌های داخلی از طوفان فکری، اسناد منتشر شده و منتشر نشده، منابع کتابخانه‌ای، سوابق رسمی و منابع اطلاعات مشابه استفاده کند.

داده‌های فرعی معمولاً بخش مهمی از هر ارزیابی اجتماعی را به‌ویژه در ترسیم نمایه اجتماعی تشکیل می‌دهد. این داده‌ها، اطلاعاتی‌اند که برای اهداف دیگری گردآوری شده‌اند و آنها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: اطلاعات توصیفی (از قبیل کلمات تصاویر یا نقشه‌ها) و اطلاعات کمی (یعنی اعدادی همچون آمارهای رسمی).

در مرحله نخست ارزیابی بهتر است کار را با اطلاعات توصیفی از قبیل نقشه‌ها، عکس‌ها، راهنمای سفر و اطلاعات بازدیدکنندگان، تاریخ‌های مکتوب، روزنامه‌های محلی و منطقه‌ای، نیازمندی‌ها و کتابچه‌های راهنمای تلفن، فهرست کسب و کار و مهم‌تر از همه، مطالعات قبلی از جمله سایر پژوهش‌های اجتماعی یا نیازسنجی‌ها آغاز کرد و سپس جست‌وجو برای گردآوری اطلاعات کمی مفصل‌تر آغاز می‌گردد.

سرشماری، جامع‌ترین مجموعه داده‌های اجتماعی موجود قابل دسترسی درباره یک کشور را ارائه می‌دهد. این داده‌ها معمولاً اعتبار بسیاری دارد و در سطوح مختلفی ارائه می‌گردد و از توانایی بالقوه انطباق با سایر مرزبندی‌ها از قبیل مناطق اداری دولت محلی، مناطق قبیله‌ای و حوزه‌های سازمان‌های خدمات اجتماعی از قبیل بهداشت یا مدارس نیز برخوردار است. نخستین کاربرد داده‌های سرشماری در مراحل نخست ارزیابی اجتماعی، در تولید نمایه‌های جمعیتی و تاریخی است و می‌تواند اطلاعات بنیادین گسترده‌ای را در زمینه منابع انسانی و استانداردهای زندگی در اجتماع یا بخش‌های خاصی از جمعیت فراهم کند و درک روشن چگونگی تغییر آنها در گذر زمان را میسر سازد.

برخی از رایج‌ترین آمارهایی که در ارزیابی اجتماعی به کار می‌رود، داده‌های عملکرد اقتصادی، اشتغال و بیکاری، دریافت کنندگان کمک‌های اجتماعی، درآمد و هزینه خانوار، سرشماری‌های بخش صنعت از قبیل تولیدات کشاورزی و خرده‌فروشی، آمار تجاری، اعتبارات و وام‌های توسعه، آمار بهداشت، آموزش و پرورش و ثبت‌نام در مدارس و... است و نقشه‌ها در زمینه عوامل جغرافیایی، سکونت‌گاه‌ها و امکانات زیربنایی از قبیل راه‌آهن یا جاده‌ها، ادارات روابط عمومی، مراکز اطلاعات، دفاتر شهروندان، دفاتر شورای شهر/بخش، دفاتر

محلی اشتغال، بنگاه‌های آموزشی، مدارس و مراکز آموزش پیش‌دبستانی و... نمونه‌هایی از منابع داده‌های فرعی به شمار می‌رود.

### داده‌های تحلیل جنسیتی

تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی، فرصت‌های اقتصادی و نقش‌های اجتماعی در ذات اکثر اجتماعات نهفته است و از این تحلیل جنسیتی برای ارزیابی تأثیرات استفاده می‌شود. به عبارتی نمایه فعالیت‌ها، تقسیم‌بندی جنسیتی نیروی کار و سایر فعالیت‌ها را ارائه می‌کند. تعدادی از متغیرهایی که معمولاً در تهیه جدول نمایه فعالیت به کار می‌رود، به این شرح است: نوع کاری که در ازای دریافت دستمزد پرداخت می‌شود، از جمله ماهیت کار، مهارت‌های مورد نیاز، سطوح اشتغال، سطوح پرداخت؛ نوع کارهایی که بدون دریافت دستمزد در خانه انجام می‌گردد، از جمله پرورش کودکان، مدیریت خانواده و نوع کاری که در کسب و کارهای خانوادگی و مزارع انجام می‌گردد.

### کاربرد و نمایش داده‌های فرعی

داده‌های فرعی را می‌توان به دو صورت به کار برد: به صورت مطلق و به صورت مقایسه‌ای. بسیاری از داده‌هایی که از سرشماری استخراج شده‌اند و داده‌های آماری از جمله شاخص‌های کمی، تنها در صورتی معنا خواهد داشت که با اشاره به یک نقطه مرجع به کار رود یا با اطلاعات تفصیلی بیش از یک منطقه یا جمعیت محلی مقایسه شود.

### گردآوری و استفاده از داده‌های پیمایش

در نظرسنجی‌ها برای گردآوری داده‌های اجتماعی، فنون مختلفی به کار می‌رود. پرسش‌نامه، رایج‌ترین فن در نظرسنجی است، ولی فنونی دیگر از قبیل تحلیل محتوا، شیوه‌های دلفی و امتیازدهی به گزینه‌ها نیز در چارچوب استفاده از پیمایش مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از ملاحظات بالقوه در ارزیابی این است که یک پیمایش را باید در چارچوب کلی ارزیابی اجتماعی نگریست و تنها زمانی به کار می‌رود که با توجه به مشکلات موضوع پژوهش، مناسب‌ترین ابزار برای کسب انواع خاصی از اطلاعات باشد.

فرایند پژوهش که پیمایش در چارچوب آن شکل می‌گیرد، دارای چهار مرحله است:



در تعریف مسئله، شرایط سیاسی ارزیابی و استفاده احتمالی از یافته‌های آن را باید در نظر گرفت. در ایجاد طرح پژوهش، مسئله حجم نمونه و میزان نمایندگی آن مطرح می‌گردد که به دو عامل اصلی، میزان دقت مورد نیاز و میزان تفاوت‌های جمعیت از نظر ویژگی‌های اصلی مطالعه بستگی دارد. از آنجا که اکثر پیمایش‌ها از نوع احتمالی‌اند، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا مجموعه‌ای از یافته‌ها را که نسبتاً نظام‌مندند فراهم کند که از خطا، بری است. در اجرای پیمایش، پیش‌آزمون همواره ضروری است و کنترل و توسعه بیشتر پرسشنامه در شرایط جهان واقعی را میسر می‌سازد. مرحله نهایی، فرایند پژوهش پیمایشی بازبازی اطلاعات و تحلیل و ارائه آن است که یکی از ملاحظات مهم در این مرحله این است که باید همواره با نیازهای مشتری و اجتماع محلی که در این مسئله ذی‌نفع‌اند، همخوانی داشته باشد. به این معنا که یافته‌ها به همه ذی‌نفعان تعلق دارد و باید برای همه در دسترس باشد.

### ارزیابی تأثیرات و اقتصاد منطقه‌ای و محلی

فصل حاضر، مقدمه‌ای بر فنون ارزیابی تأثیرات بر اقتصاد منطقه‌ای و محلی است و نویسندگان به بررسی انواع تأثیرات اقتصادی منطقه‌ای و فنون ارزیابی آنها، ضرایب افزایشی و برآوردهای سود، تحلیل نهاده-ستانده، اقتصاد محلی و ویژگی‌های کسب و کارهای کوچک و مسایل مؤثر بر آنها می‌پردازند.

ارزیابی تأثیرات اقتصادی اغلب با ارزیابی اجتماعی همراه است، با ماهیت تغییر برنامه‌ای یا واقعی و ویژگی‌های اجتماعی منطقه مورد نظر ارتباط مستقیم دارد و در برگیرنده فونونی چون ارزش‌گذاری یا انتخاب غیر قطعی برای تخمین میزان «اشتقاق پرداخت» برای کالاهای عمومی و شیوه هزینه مسافرت که برای محاسبه اقدامات پولی و سود فعالیت‌های تفریحی مفید است.

پروژه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها را باید در سطح اقتصاد منطقه‌ای در نظر گرفت؛ چون نظام‌های اقتصادی منطقه‌ای، شرایط کلی اقتصادهای محلی را تأمین می‌کند. استفاده از منابع، اشتغال و فرآوری، شرایط تغییر را فراهم می‌آورد. در ارزیابی تأثیرات اقتصادی تغییر، عوامل اصلی که معمولاً باید لحاظ گردد، ماهیت سطح سرمایه‌گذاری نقدی از جمله فناوری، ابعاد و ماهیت نیروی کار و الزاماتی است که با گذشت زمان برای مواد خام و شالوده‌هایی چون حمل و نقل، انرژی، بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی پدیدار می‌گردد. بنابراین ویژگی‌هایی که باید در زمینه مورد مطالعه در نظر گرفت، شامل: ماهیت صنعت، نیروی کار، اشتغال، امکانات زیربنایی و ظرفیت گسترش آن، خدمات اجتماعی از قبیل مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش، تأمین رسمی و غیر رسمی خدمات رفاه اجتماعی است.



تغییرات اقتصادی مستقیماً معمولاً به خوبی آشکار است، ولی سایر تغییرات ممکن است چنین شفافیتی نداشته باشد و ممکن است تأثیرات در بخش دیگری از نظام ظاهر گردد. تحلیل داده- ستانده، روشی را برای شناسایی و پیش‌بینی مقیاس تأثیرات غیر مستقیم که قبلاً تأثیرات سرریز، نشت به سطوح پایین، یا تغییرات موجی نامیده شده است، فراهم می‌آورد.

برای تشخیص انواع مختلف تغییرات اقتصادی منطقه‌ای می‌توان آنها را به تغییرات مستقیم، غیر مستقیم و القایی تقسیم‌بندی کرد. تأثیرات مستقیم به دلیل الزامات فوری یک برنامه توسعه از قبیل خریدهای مستقیم و استخدام نیروی کار در خود پروژه ایجاد می‌شود. تأثیرات غیر مستقیم ناشی از افزایش تولید کالاها و خدمات مورد نیاز برای حفظ و ادارهٔ یک پروژه است و تأثیرات القایی، افزایش فعالیت اقتصادی ناشی از افزایش مصرف است که به دلیل افزایش درآمدی ایجاد می‌گردد.

تعیین تمام عیار تأثیرات منطقه‌ای تغییر تنها پس از بررسی تأثیرات غیر مستقیم و القایی یا تأثیرات سرریز میسر است. تأثیرات سرریز پروژه اولیه به تأثیرات افزایشی گفته می‌شود که برای مقایسه ابعاد این تأثیرات از آن استفاده می‌گردد. بسیاری از شرکت‌های ساختمانی و مقامات عمومی در تلاش برای تبلیغ منافع اقتصادی ناشی از تغییرات به تأثیرات افزایشی اشاره می‌کنند. تحلیل سود- هزینه برای تعیین ارزش پروژه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها نیز به کار می‌رود. سودها و هزینه‌ها با استفاده از قیمت‌های بازار مجموع خالص مالیات‌های غیر مستقیم و یارانه‌ها برآورده می‌گردد و به اهداف توزیعی نمی‌پردازد و تنها با سنجش تغییرات در رفاه اجتماعی سروکار دارد که معمولاً بر اساس درآمد ملی تعیین می‌شود.

هر چند ضرایب افزایشی، راه مفیدی برای خلاصه‌سازی برخی تأثیرات مرتبط با اجتماع است، معمولاً باید با تحلیل سود- هزینه همراه بوده، با ارزیابی‌های کامل اجتماعی و محیط‌زیستی مرتبط باشد تا تصمیم‌ها بر مبنای مجموعهٔ محدودی از معیارها اتخاذ نگردد. از سوی دیگر ضرایب افزایشی نمی‌تواند نشان دهد که تغییرات در کدام صنایع اتفاق افتاده است و شناخت دقیق تغییرات نیازمند اطلاعات دقیق‌تر درباره پیوندهای متقابل درون یک اقتصاد است.

یکی از مشکلات اصلی کاربرد تحلیل نهاده- ستاده، حجم عظیم داده‌های مورد نیاز است. زمانی که برای ایجاد جدول‌های ملی صرف می‌شود، نشانهٔ حجم عظیم کاری است که برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای ایجاد ماتریس‌های مبادلات ضروری است و جداول منطقه‌ای با تعدیل جداول ملی به دست می‌آید.

تحلیل داده - ستاده بر این فرض استوار است که اگر تولید صنعت منطقه‌ای در ارتباط با کل ستاده‌های منطقه‌ای کلیه صنایع کمتر از صنعت ملی باشد، آنگاه این صنعت نمی‌تواند پاسخگوی تقاضاهای منطقه‌ای برای محصولات خود باشد. بنابراین باید آن را از مناطق دیگر وارد کرد و ضرایب فنی به سمت پایین تعدیل گردد.

ایجاد جداول نهاده - ستاده نیازمند دانش جریان‌های فیزیکی تولیدات یا ارزش آنها درون و در میان صنایع است. اگر ستاده‌های صنعت محلی معلوم باشد و فناوری نیز معلوم یا استاندارد باشد، آنگاه می‌توان انتقال بین صنایع را محاسبه کرد. البته این مسئله که آیا منبع تأمین نهاده‌های مورد نیاز محلی در منطقه وجود دارد یا در خارج از آن و توزیع مخارج نیز باید مشخص باشد.

### مسائل مؤثر بر کسب و کارهای کوچک

ویژگی‌های تمایز آفرین کسب و کارهای کوچک بر نحوه تأثیرگذاری تغییرات بر اقتصاد محلی و اجتماعی که این کسب و کارها در آن عمل می‌کند، اثر می‌گذارد. به‌ویژه ارزیابی باید در نظر بگیرد که چگونه محدودیت‌های کسب و کارهای کوچک، توانایی آنها برای بهره‌گیری از فرصت‌های توسعه را محدود می‌کند. از سوی دیگر آنها با مشکلاتی روبه‌رو هستند که برخی از آنها عبارتند از: ضعف در مهارت‌های مدیریتی در یک یا چند زمینه کاربردی، فقدان نظام بودجه‌ای صحیح، برنامه‌ریزی نامناسب نقدینگی و نداشتن زمان و منابع کافی برای برنامه‌ریزی اثربخش، ناتوانی برای تأثیرگذاری فردی بر بازارهای خود که اغلب به خوبی تعریف نشده است، فقدان شناسایی رسمی یا حمایت بخش عمومی، فقدان بهره‌مندی کامل از خدمات تخصصی که در دسترس شرکت‌های بزرگ قرار دارد، دشواری تأمین اعتبارات مالی از منابع سنتی، وابستگی به یک مشتری یا صنعت بزرگ، وابستگی به یک فرد و پیامدهای فوری و نامطلوب ناکامی مالکان کسب و کارهای کوچک و کارکنان آنها.

تحلیلگر در کسب و کارهای کوچک باید با پاسخ‌دهندگان ارتباط برقرار کند و برای کمک به تدوین داده‌های مورد نیاز، اعتماد و همکاری متصدیان را جلب کند. یکی از نقاط مثبت این همکاری این است که می‌توان از اطلاعات ارزیابی اجتماعی که برای اهداف دیگری از قبیل ایجاد برنامه راهبردی محلی توسعه یا فعالیت‌های ترویجی جامعه کسب و کارهای محلی گردآوری شده، استفاده کرد.

### فنون اجتماع محور و مشورتی

در فصل هشتم از این کتاب، ابتدا به بررسی مبنای فلسفی و اخلاقی رویکرد مشارکتی پرداخته شده و مفهوم اجتماع را که راهنمای ارزیابی اجتماع محور

است، بررسی شده است. سپس برخی از فنون آن نیز مطرح شده و درباره آنها مطالبی ارائه گردیده است.

کاربران این فنون بر این باورند که مردم حق دارند در تصمیم‌گیری درباره تغییراتی که بر آنها و زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد، سهیم باشند و سودمندی این تصمیم‌ها و نتایج آنها به اندازه سودمندی فرآیندی است که برای اتخاذ چنین تصمیم‌هایی به کار می‌رود. این رویکرد مستلزم این است که دست‌اندرکاران ارزیابی دریابند که دیدگاه و سبک تصمیم‌گیری یک فرد ممکن است با افرادی که طرفدار تغییر هستند، از تغییرات تأثیر می‌پذیرند، یا به صورت دیگری در ارزیابی دخیل هستند، یکسان نباشد. بنابراین ارزیابی اجتماعی گاهی با نظم موجود موافق است و گاهی آن را به چالش می‌کشد. رویکرد اجتماع‌محور مشورتی، حق افراد ذی‌نفعی را که از تغییرات پیشنهادی تأثیر می‌پذیرند، در واکنش و اظهار نظر در برابر این تغییرات محترم می‌شمارد. ارزیابی اجتماعی مشورتی، نیازمند کمک فعال گروه‌های ذی‌نفع و تأثیر پذیر در تعریف مسائل است که برای آنها اهمیت دارد. این کمک نیازمند این است که عامه مردم، اطلاعات مورد نیاز را از مجراها و شیوه‌های مناسب کسب کرده باشند و برای هضم آنها و آماده‌سازی پاسخ، فرصت کافی داشته باشند. این فنون همچنین به اصلاح بی‌عدالتی‌های ناشی از نبود کنترل شدید اطلاعات در زمینه فرایندها و عواملی که بر تغییر اجتماعی تأثیر می‌گذارد، کمک می‌کند. مزیت‌های رویکرد مشارکتی، بسیار فراتر از معایب آن است. برخی از این مزیت‌ها عبارتند از: اطلاعات بیشتر درباره تأثیرات از جمله یکپارچگی تأثیرات اجتماعی و زیستی - فیزیکی؛ استفاده از دانش و تجربه گستردهٔ محلی افراد مختلف به جای اتکای انحصاری به اطلاعات متخصصان به عنوان مبنایی برای مذاکره یا در صورت نیاز میانجی‌گری و کاهش مشکلاتی که با جلسات و دعوای قضایی همراه است؛ برانگیختن کمتر احساس مخالف و بی‌علاقگی در میان مردم به دلیل اینکه مردم به طور مستمر درگیر فرایندهایی که نتایج ناامیدکننده‌ای دارد، نمی‌گردند. از دشواری‌ها و معایب این رویکرد که نیاز به مدیریت دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خطر ترغیب مردم به پذیرش با ارائهٔ وعده‌هایی که عملی نیست و بی‌اطلاعی طرفداران تغییر از راه‌های جایگزین؛ انعطاف‌ناپذیری مواضع دست‌اندرکاران دربارهٔ موضوعی که اتخاذ می‌کنند؛ ریسک اتخاذ تصمیم‌هایی که بر مبنای کمترین وجه مشترک استوارند؛ مشورت بیش از حد با افراد، گروه‌ها یا اجتماعات محلی و زمان مورد مذاکره و احتمال تسلط افراد یا گروه‌های پرهیاهو بر فرایند مشاوره.

با درک مبناهای مختلف شکل‌گیری روابط اجتماعی می‌توان شبکه‌های جداگانه و هم‌پوشان افراد و گروه‌های مختلف را بررسی کرد و به این ترتیب ارزیابی اجتماعی مشورتی را برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی کرد. مبناهای وابستگی و روابط اجتماعی در سطح محلی بیانگر شرایطی است که افراد، معناهای ذهنی زندگی اجتماعی خود را از آن می‌گیرد.

### مبناهای مجاورت

**مجاورت:** از مبناهای مهم اجتماع به شمار می‌رود که در برخی موارد آشکار است. هر چند مرزهای آن به طور دقیق مشخص نیست، با وجود این ساکنان می‌توانند به آسانی درباره مرزهای اجتماعی روشن که اغلب با ویژگی‌های جغرافیایی شناخته می‌شود، توافق کنند. شهرها دارای مکان‌های تمایزی‌اند که بیانگر اجتماعات مختلف است که می‌توان با توپوگرافی، بزرگراه‌های اصلی، انواع خانه‌ها و مراکز تجاری مشخص کرد و امروزه به دلیل گسترش شهر و نفوذ ویژگی‌های جدیدی همچون مراکز خریدی که به منطقه وسیع‌تری خدمات ارائه می‌دهد، از تمایز چندانی برخوردار نیست.

**طبقه اجتماعی:** طبقه اجتماعی بر مبنای مالکیت، یکی از مبناهای روشن وابستگی و یا تمایز اجتماعی در بسیاری از جوامع است. بنابراین تحلیل گسترده طبقه جایگاه و قدرت اجتماعی در زندگی اجتماعی به ناچار گروه‌بندی‌های اجتماعی متمایزی را نشان می‌دهد که در مواردی همچون نوع و محل واحدهای مسکونی و تفاوت‌های موجود در زندگی کاری و زندگی اجتماعی هویدا است.

**جنسیت:** این مفهوم تنها به تفاوت اجتماعی میان افراد محدود نمی‌گردد. این تفاوت‌ها در میان فرهنگ‌ها و شرایط اجتماعی مختلف و زمان‌های مختلف قابل مشاهده است که در زندگی اجتماعی شامل نیروی کار و فعالیت‌های کاری، پرورش کودکان و کار در خانه است.

**کار:** در مناطق روستایی، روابط اجتماعی مشخص بر فعالیت‌هایی از قبیل کشاورزی، معدن‌کاوی، گردشگری و ماهیگیری مبتنی است. گاهی هم یک اجتماع با نوع کار اصلی که در آن رواج دارد، از سایر جوامع متمایز می‌شود.

**قومیت:** بیانگر هویت اجتماعی و فرهنگی گروه‌های مختلف است که می‌تواند مارا از تفاوت‌های موجود در استنباط‌ها و ارزش‌ها، رفتارهای فرهنگی و سازمان‌دهی و جایگاه‌های اجتماعی آگاه سازد؛ یکی از عوامل مهم فرایند شکل‌گیری اجتماعات روستایی است که کارگران مهاجر آنها از تنوع قومی زیادی برخوردارند. همچنین در مناطق شهری که به سرعت گسترش می‌یابند نیز اهمیت بسزایی دارد.

**خویشاوندی:** مبنای قدرتمندی برای روابط و شبکه‌های اجتماعی است؛ بر مکان واحدهای مسکونی خانواده تأثیر مهمی می‌گذارد و الگوهای مالکیت زمین و ابزار تولید و انتقال ثروت را شکل می‌دهد.

**سن و مدت اقامت:** هر دو عواملی‌اند که در توسعه روابط خویشاوندی و انباشت املاک ثروت و جایگاه اجتماعی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مواردی که تغییرات سریع جمعیتی رخ می‌دهد، به راحتی می‌توان بین قدیمی‌ها و تازه‌واردها تمایز قایل شد.

**دین:** با وجود کاهش مشارکت رسمی یا حضور در پرستشگاه‌ها، باز می‌تواند در روابط اجتماعات محلی، نقش مهمی ایفا کند و گروه‌های دینی اغلب برای طیف متنوعی از خدمات اجتماعی و سازمان‌های داوطلب، چتری را ایجاد کند که فعالیت‌های مختلفی را از هنرهای تجسمی گرفته تا اشتغال‌زایی را در برگیرد.

### شیوه‌های مشورتی

مهم‌ترین فنونی که در این رویکرد به کار می‌رود، معمولاً در پژوهش کیفی جای دارد. ساده‌ترین شکل این پژوهش شامل مصاحبه‌های فردی با افراد یا گروه‌های کوچک و مشاهده و مشارکت در فعالیت‌ها و زندگی اجتماع محلی است. این کار می‌تواند با فنون کمی از قبیل نظرسنجی و استفاده از داده‌های آماری تکمیل کرد.

جدول شماره ۲: برخی از فنون مشورتی و کاربردها

کاربردها	فن
برای گردهمایی برنامه‌ریزان، پژوهشگران، اعضای اجتماع محلی و سیاست‌مداران به منظور شنیدن و مشارکت در بحث درباره مسائلی که بر این اجتماع قرار دارد.	کارگاه‌ها و سمینارها، فعالیت‌های یک‌روزه بررسی مسائل خاص یا مسائل گسترده‌تر و مدت برنامه‌ریزی
برای رایزنی درباره پروژه پایش اجتماعی و مطلع ساختن اجتماع محلی از اطلاعات متخصصان به کار می‌رود. سودمندی آن به ترکیب و بزرگی گروه، جایگاه و قدرت نسبی آن بستگی دارد. می‌تواند در زمینه تخصیص منابع، توصیه‌هایی ارائه دهد، توجه را به مشکلات جلب کند و متخصصان را برای مدیریت تغییر، گرد هم آورد.	محافل رایزنی و کمیته‌های اجتماع محلی که به صورت گروه‌های تک‌منظوره یا نیمه‌دائم نمایندگان سازمان‌های اجتماع محلی و... تشکیل می‌گردد و به نیابت از اجتماع محلی به بررسی بحث، ارزیابی و ارائه مشورت درباره تغییرات برنامه‌ریزی شده می‌پردازد.
با گروه‌ها به منظور بررسی تأثیرات پیشنهادها و مختلف و آموزش شرکت‌کنندگان به کار می‌رود.	ارزیابی سناریو، با استفاده از سناریوهای مختلف، پیشنهادها و جایگزین‌های آنها از نظر نتایج و تأثیرات ارزیابی می‌گردد. گروه‌ها، سناریو‌ها را ارزیابی و نتایج را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. می‌توان بررسی هر سناریو را به یک گروه محول کرد.
در موقعیت گروهی به مردم فرصت می‌دهد تا مواضع سایر افرادی را که در فرایند برنامه‌ریزی و محدودیت‌ها و اعمال نفوذهایی که بر آنها تحمیل می‌گردد، درک کنند.	بازی‌های ایفای نقش یا شبیه‌سازی: افراد در یک موقعیت برنامه‌ریزی واقعی شبیه‌سازی شده یا مشابه نقش بازیگران مختلف اجتماع یا مقامات را بازی می‌کنند.

برای تشویق و اجرای مشورت اجتماعی و دخیل ساختن اجتماع در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و مدیریت تغییر، فنون متعدد دیگری نیز وجود دارد که عبارتند از: نظرسنجی از اجتماع محلی، دفاتر اطلاعات محلی، تعیین روزهای بازدید آزاد از پروژه، گفت‌وگوهای رادیویی و بازی‌های شبیه‌سازی. فنونی که در این فصل توصیف شده‌اند شامل مصاحبه‌های رسمی و غیر رسمی با آگاهان گروه‌های مختلفی است که در فرایند تغییر دخالت دارند. این مصاحبه‌ها اغلب با آگاهان اصلی انجام می‌گردد و برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان از رویکرد شبیه‌سازی استفاده می‌شود.

در صفحات پایانی کتاب نیز برخی از منابع ارزشمندی که نویسندگان در تألیف کتاب از آنها بهره برده‌اند و می‌تواند محل رجوع پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه مطالعاتی باشد، آمده است.